

چکیده

استقرار جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ی تجربه‌ی جدیدی را درباره‌ی نقش آفرینی مصلحت و مصلحت‌گرایی در حوزه‌ی سیاست جنایی تقنینی کشور فراهم کرد. اگرچه در سیاست جنایی تقنینی، سیطره‌ی مفهومی با عنوان مصلحت به نظر انکارناپذیر است اما حدود و ثغور لحاظ کردن آن در قوانین مختلف به ویژه در قوانین کیفری که از حساسیت به مراتب بالاتری از حیث تحدید حقوق و آزادی‌های فردی برخوردارند، هم‌چنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. در واقع، آن چه که در نظام کیفری موضوعیت دارد تأمین مصلحت یعنی فایده‌ی اجتماعی مترتب بر مجازات هاست و عدالت راهی برای دست‌یابی به چنین غایتی است. بدین سان، رسالت نظام کیفری پیش از آن که تأمین عدالت کیفری محض باشد حمایت از مصالح و منافع اجتماعی است. نظر به اهمیت بحث، این تحقیق در صدد تبیین سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال مصلحت‌گرایی کیفری می‌باشد. از این رو، در این نوشتار، که به روش توصیفی و تحلیلی و و فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای است، کوشش شده تا با امعان نظر به اصل چهارم قانون اساسی که ضرورت همسو بودن قوانین با موازین اسلامی را به صراحت مقرر داشته است، در وهله‌ی نخست به جایگاه، مفهوم و مبانی مصلحت و مصلحت‌گرایی بپردازد و سپس جلوه‌های مصلحت‌گرایی در سیاست جنایی تقنینی ایران پرداخته شود. نتیجه حاصله از تحقیق نیز این است که، سیاست جنایی تقنینی ایران با تصویب دو قانون جزایی مهم (قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی) امکان توسل به مصلحت‌گرایی کیفری و توجه به مفاسد و فواید تعقیب و مجازات متهمین را به خوبی فراهم کرده و در این راستا با تأثیرپذیری از یافته‌های جرم‌شناسی امکان مصلحت‌سنجی مقام قضایی را پیش‌بینی نموده است.

کلمات کلیدی: سیاست جنایی، مصلحت‌گرایی، عدالت کیفری